



عبدالاحمد فیض

مبانی حقوقی و شرعی مجزات ارتداد!

هو گذشته نچندان دور، مضمون حقوقی تحت عنوان مبانی شرعی و حقوقی سنگسار (رجم) در روزنه به نشر رسید و در آن تصریح گردیده بود که در نصوص و روایات دینی بطور معدودی قتل انسان تجویز شده است که مشمول قتل ناحق، زنا بعد از احصان (تأمین روابط جنسی خلج از چهارچوب ازدواج دوفرد متاهل) و ارتداد بعد از اسلام می گردد، اینک به هدف تفحص و واکاوی موضوع، جوانب حقوقی و شرعی قتل انسان را در صورت ارتداد و کاربرد غیر شرعی و ایزلی این مجزات شرعی (حد) را بدستان نابکر گروه های اسلام نماها که از دین در محور توهم فکری شان و به مقاصد غیر دینی و سیاسی استفاده نموده و یا مینمایند، مورد پژوهش مؤجز قرار میدهیم.

بایست اذعان داشت که تعقب و تعزیر شخص بر مبنای باورها و عقیده در مکاتب گوناگون روشنگری، اندیشه ها و کانونهای مدافع حقوق انسانی همواره بمثابه یک عمل مغایر ارزشهای بشری و آزادیهای فردی و مدنی مطرح بوده و تعقیب افراد بدلیل چون عقیده و باور زین منظر مشروعیت ندارد و اما دانشمندان، مفسران و آگاهان علوم شرعی و مذاهب مختلف اسلامی را عقیده برین است که در اسلام شخص بدلیل ترک عقیده شخصی مورد تعقیب و مجزات قرار نگرفته بل رجوع از اسلام و با اعتراف صریح زمانی مستلزم تعقیب و مجزات پنداشته میشود که شخص ترک دین اسلام را در اجتماع مطرح نماید، فلذا اظهار ارتداد در جامعه به سلامتی و بنیاد اجتماع اسلامی صدمه ورده نموده و عرصه را برای نضج گیری افکار ضد اسلامی و ترغیب اجتماع به ترک دین اسلام مساعد خواهند نمود. بنا بران بتأسی از روایات دینی و فقهی فوق تجویز مجزات موگ به منکران دین در بر تو اصول و معیارهای شرع متناسب به میزان همان خطرات اجتماعی است که از ارتداد در یک جامعه اسلامی ممکن و متصور است. یا به تعبیر دیگر این خطرات و پیامدهای زیانبار ارتداد معطوف به منافع اجتماعی، اخلاقی، باورهای عمومی و سلامتی جمعی در جامعه اسلامی است که عنصر حقوقی (قانونی) ارتداد از دین اسلام را تشکیل داده نه اعتقاد و ایمان فردی.

فلذا دین اسلام به هدف حراست از سلامتی جامعه اسلامی و پاسداری از باورها و یا ایمان عمومی مجزات شدیدی را در تنبیه و مجزات فاعل ارتداد تجویز نموده و این مجزات زمانی و جاهت شرعی کسب مینماید که یک شخص مؤمن و مسلمان از وجود خداوند، بعثت پیامبر و قرآن بمثابه کتاب آسمانی، دساتیر و ارشادات آن صریحاً انکار و زردو بدو دسته تقسیم میگردد:

اول- مرتد فطری: فردیکه از والدین مسلمان زاده شده است و بعد از رسیدن به سن بلوغ و با داشتن اهلیت حقوقی و شرعی از دین اسلام انکار میوزرد یا خلج میشود.

دوم- مرتد ملی: شخص که از والدین غیر اسلام بدنی آمده است و با رسیدن به سن بلوغ اسلام را می پذیرد و بعد از دین اسلام رجوع مینماید.

افزون برین بایست متذکر شد که چگونگی کسب مسوولیت جزائی (حکشرعی) در جرم ارتداد و نحوه رفتار در برابر فاعل جرم در مذاهب گوناگون متفاوت بوده است، بگونه مثال مذهب حنفی یا فقه اهل سنت اکیداً توصیه نموده است که فاعل ارتداد علی الرغم اظهار روی به ترک اسلام و اعتراف در رجوع از اسلام نباید حد کرده شود و یا به قتل رسانیده شود بل به فاعل عمل مهلت داده شده و از وی خواسته شود که دوباره به اسلام رجوع نماید، هوگه فاعل بدعوت قاضی لبیک نه گفته و به ارتدادش اصرار ورزد درینصورت مجزات حد (قتل) تطبیق میگردد. همچنان مذاهب و فقهای دیگر مانند مذاهب شافعی و حنبلی گذاشتن مهلت و دعوت مجدد به عاملان ارتداد را پذیرفته است.

مذهب جعفری (شیعه) حاوی احکام متفاوتی نسبت به مجازات ارتداد بوده است. بر مبنای احکام فقه شیعه، توبه و رجوع مجدد به اسلام توسط مرتد فطری نزد قاضی بعد از توبه اسلام اعتبار نداشته و نیز وقتل فاعل را در تضاد با فقیه حنفی تجویز نموده است. هکذا در پرتوی احکام این فقه، مرتد ملی وزن مرتد به قتل نرسیده بلکه جازانندان را تجویز کرده است و هکذا به باور طیف وسیع از فقهای جعفری شک و تردید نیز از ارتداد را موجب میگردد چنانچه از ابن حمزه طوسی روایتی وجود دارد مبنی بر اینکه هرگاه شخصی به شک و تردید نسبت به پیامبر اسلام که نمیداند پیامبر (ص) صادق بود و یانه به ارتداد حکم داده است و خون چنین شخصی را مباح میدانند.

لذا برای تثبیت مسوولیت جزائی و تطبیق حد ارتداد، اعتراف به ارتداد یکی از بنیادی ترین عنصر مجازات حد پنداشته شده بنا بر آن انکار و جرم و یا رجوع فاعل به اسلام موجب ایجاد شبهه گردیده و به اسقاط مجازات حد ارتداد می انجامد. همچنان شایان ذکر است که علی الرغم اهتمام ژرف دین مقدس اسلام به تقدس امور اجتماعی و مفاخر دینی و اعتقادی جامعه اسلامی، تطبیق و یا تثبیت جرم ارتداد با توجه به ادله اثبات در تریخ مجازات شرعی در صدر اسلام به ندرت تطبیق شده است.

بایست متذکر شد که مفهوم ارتداد، محتوی شرعی و چگونگی کاربرد مجازات بمثابه عمده ترین مبحث در نظام جزائی اسلامی در چند دهه اخیر با توجه به شکل و وضوح گیری تشکیلات رادیکال مذهبی، ظهور فناتیزم و افراطیت دینی در تضاد و تقابل آشکار در برابر مدنیت جهانی و همچنان توکزرادیکالیزم در منطقه ما، بوضوح از مسیر شرعی آن خراج و تعقیب افراد بجرم ارتداد در محور اهداف نا مشروع و غیر دینی گروه های افراطی بمثابه اسباب تخویف، سرکوب و انقیاد بدون قید و شرط مردم از مجموع دساتیری غیر مشروع و ظالمانه آنها تعمیم گردیده است. قتل انسان بی گناه و مؤمن بعزت و وابستگی شان به جریانهای سیاسی مخالف، اجرای مجازات اعدام کتلوی اقلیت های دینی مسلمان در مناطق تحت حاکمیت گروه های افراطی، کشتن افراد به اتهام همکاری با نظام حاکم در چند دهه اخیر و کشور وورد نمودن اتهام ارتداد به شهروندان مسلمان و سرزدن آنها و نیز انجام کشتار گروهی مردم در مساجد و معابد بدستان سیاه مدعیان و مدافعان کاذب اسلام در وجود افراطیون مزدور که زیر لوای دین انجام مییابد نه تنها با اصول و ارزش های انسانی در جهان مدرن در مغایرت قرار دارد، بلکه قرائت افراطیون از اسلام در خصوص قتل مسلمانان به بهانه ارتداد بدون دلایل اثبات با موازین و اصول شرعی در زمینه مجازات ارتداد همخوانی ندارد.